

دانشگاه معارف اسلامی قم

پایان نامه کارشناسی ارشد

**نقد دیدگاه روشن فکران معاصر در رابطه معرفت و اخلاق
از منظر علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی**

استاد راهنما:

بهرام دلیر

استاد مشاور:

محمد کاوه

نویسنده:

روح اله علوی عدل

تاریخ نگارش:

۱۳۹۲

چکیده:

در عصر جدید علوم عقلی در فلسفه غرب در مباحث فلسفه اخلاق بحث در رابطه تولیدی میان دانش و ارزش از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. به گفته بسیاری از صاحب نظران مبتکر عدم استنتاج باید از هست فیلسوف انگلیسی - اسکاتلندی دیوید هیوم است.

بر اساس تحقیق صورت گرفته التزام ایشان به این گفته ناشی از دیدگاه تجربه گرایانه وی می‌باشد. در میان روشنفکران معاصر نیز سروش با این اندیشمند غربی هم داستان شده است و در کتابی مستقل به رابطه منطقی میان دانش و ارزش پرداخته و منکر چنین رابطه‌ای شده است. آنچه مناسب است درباره آن تحقیق شود این است که این نظریه بر چه مبانی فکری معرفتی، اخلاقی و انسانی استوار است. در این پژوهش روشن می‌شود که بیگانه دانستن معرفت از اخلاق ناشی از مبانی معرفتی تجربه گرایانه و مبانی ارزشی غیر واقع گرا و نیز مبتنی بر مبانی انسان شناختی طبیعت گرایانه و اومانستی است. از این رو مبانی معرفت شناختی، ارزش شناختی و انسان شناختی سروش که ریشه اعتقاد به انکار رابطه میان دانش و ارزش می‌باشد، بر اساس اندیشه‌های علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی مورد بررسی و نقد قرار گرفته است.

علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی که بر مبانی اندیشه اسلامی تکیه دارند، دیدگاه تجربه گرایانه در معرفت و دیدگاه غیر واقع گرایی در اخلاق و نیز دیدگاه طبیعت گرایانه در مبانی انسانی شناختی نسبت به علوم انسانی را نمی‌پذیرند. بنابراین به نظریه‌هایی که بر این مبانی پایه ریزی شده است نیز نقد دارند. و از جمله می‌توان جدایی میان امور حقیقی از امور اعتباری دانست.

واژگان کلیدی:

اخلاق، معرفت، مسئله باید و هست، رابطه معرفت و اخلاق، دانش و ارزش